

نقش ویژگیهای جمعیت شناختی در میزان صلح جویی شهروندان

سیدکمال الدین موسوی^۱

استادیار، گروه جامعه شناسی، دانشگاه کاشان

سحر شهیدی

کارشناسی، علوم اجتماعی، دانشگاه کاشان

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی نقش خصوصیات جمعیت شناختی در میزان صلح جویی افراد است. این پژوهش از نوع همبستگی بوده و به روش پیمایشی در بهار ۱۴۰۴ در بین نمونه ای به حجم ۱۲۰ نفر از ساکنین شهر کاشان انجام شده و شیوه نمونه گیری در آن نیز هدفمند بوده است. بر اساس یافته ها، جامعه مورد بررسی بطور کلی از نظر صلح طلبی وضعیت مطلوبی دارد. همچنین، میزان صلح طلبی پاسخگویان در بُعد فردی، میان فردی و جمعی (با میانگینهای ۳۴٫۹، ۴۳٫۱ و ۳۹٫۳) همگی بالاتر از حد متوسط یا میانگین نظری (۳۰) قرار داشته و طبعاً صلح طلبی در روابط میان فردی بیش از صلح طلبی در روابط جمعی و کلان، و آن نیز بیش از صلح و آرامش فردی و درونی افراد بوده است. در آزمون فرضیات مشخص شد جنسیت با صلح فردی و میان فردی رابطه دارد، اما با صلح جمعی و صلح بطور کلی رابطه ای ندارد. وضع تاهل نیز فقط با صلح جمعی و کلان رابطه نشان داد. سن و سال نیز با صلح فردی، میان فردی و صلح بطور کلی رابطه نشان داد اما با صلح جمعی رابطه ندارد. سطح تحصیلات نیز با صلح بطور کلی و صلح جمعی رابطه نشان داد، اما با صلح فردی و میان فردی رابطه ای ندارد. نهایتاً، وضع اقتصادی پاسخگویان با میزان صلح فردی، میان فردی و صلح بطور کلی رابطه دارد، اما با صلح جمعی رابطه ای ندارد.

واژگان کلیدی: صلح طلبی، صلح فردی، صلح میان فردی، صلح جمعی

^۱ نویسنده مسئول: okna8062@yahoo.com

برای مفهوم صلح^۲ در لغت نامه ها و دانشنامه ها معنای دوستی، همدلی، همزیستی مسالمت آمیز ذکر شده و در نقطه مقابل آن مفاهیمی چون خصومت، خشونت، جنگ و کینه^۳ قرار دارد. البته صلح یک مفهوم مطلق نیست و میتواند بسته به زمینه های دینی و فرهنگی تعاریف متفاوتی داشته باشد، به همین خاطر می توان آنرا از چشم انداز های مختلفی مطالعه کرد. صلح واژه ای مقدسی و محور آرزوها و امیدهاست، و آزادی کامل تنها در سایه صلح بوجود میآید. البته، همانطور که آزادی فقط به زندانی نبودن نیست صلح هم صرفا به معنی نبود جنگ نیست. تنش ها ممکن است ظاهرا خاموش شوند اما صلح واقعی بدست نیامده و تغییر نگرش ها، و خالی شدن دلها از کینه و نفرت هنوز صورت نگرفته باشد. بشر همیشه در جستجوی یک صلح کامل و دنیایی فارغ از جنگ و خشونت بوده و تاکنون بدان نرسیده، زیرا شاید دستیابی به یک صلح مطلق و کامل ناممکن است و به همین خاطر صلح همچنان بصورت یک آرمان جهانی تلقی میشود. از طرف دیگر، اختلاف و نزاع، از اولین و کهن ترین برآیند زندگی گروهی و جمعی جامعه بشری است و معمولا عواملی چون قدرت طلبی، منفعت جویی و سلطه طلبی برخی افراد گروهها در اغلب اوقات بستر مناسبی را برای مشاجرات لفظی یا خشونتبار در زندگی اجتماعی فراهم می سازد. در جوامع امروزی که مملو از منازعات داخلی و درگیریهای در سطح ملی و فراملی است، صلح طلبی و آشتی سازی، آموزش و ترویج فرهنگ صلح، گمشده ای است که باید آن را در اعماق تار و پود آیین، رسوم و فرهنگ هر جامعه جستجو کرد. با این وجود، عموما انسانها از جنگ گریزانند و دوستی، همدلی و پرهیز از نفرت و دشمنی، خواسته تمامی مکاتب بشری و وحدت بخش جامعه انسانی است. صلح جویی و مسالمت باعث مأنوس شدن انسانها و خروج از تنهایی است و به زندگی انسانها شادی و نشاط می بخشد. در گذشته ها تصور رایج این بود که صلح طلبی و جنگ طلبی مساله ای فطری و جزء ذات برخی افراد است اما نتایج تحقیقات بین المللی پیرامون خشونت که در بیانیه سویل در کنفرانس یونسکو در سال ۱۹۸۶ منعکس شده بود نشان داد جنگ طلبی و صلح طلبی فطری نبوده و براساس یادگیری اجتماعی و طبق الگوهای فرهنگی رایج در آن آموخته میشود. در حقیقت، نحوه برخورد با تفاوتها تعیین کننده میزان صلح طلبی یک جامعه است از اینرو، جامعه صلح جو جامعه ای است که در آن افراد مزایای همیاری را درک کرده و مهارت های مشارکت و همیاری را به کودکانشان می آموزند. (بولدینگ، ۱۳۹۷).

با توسعه روند جهانی شدن، بسیاری از نگرشها و باورها، فرهنگ ها و حتی ضد فرهنگ ها دستخوش تغییراتی شده و در نتیجه کنش ها و واکنش های متفاوتی را نسبت به گذشته در جوامع برانگیخته است. همزمان، تحولات سیاسی و اجتماعی داخل کشورها نیز در دگرگون سازی مختصات فرهنگی اعم از ارزشها و هنجارها بی تاثیر نبوده و برآیند تغییر و تحولات یاد شده از جهاتی مثبت و در برخی جنبه ها منفی گزارش می شوند. جامعه ایران نیز از این موج تحولات مستثنا نبوده و سیمای فرهنگی آن در حال تغییر است بگونه ای که گلابی (۱۳۸۹)، فکوهی (۱۴۰۲) و برخی دیگر از جامعه شناسان عقیده دارند در سال های اخیر شاهد رواج نوعی آنومی اخلاقی در سطوح مختلف جامعه ایران هستیم و در این رابطه، جنبه های مختلفی از نزول اخلاقی از جمله پرخاشگری، عصبانیت، بی اعتمادی، فریبکاری و... را می توان در جامعه سراغ گرفت. شرایط اقتصادی، شغلی، سیاسی و ... در سالهای اخیر بگونه ای بوده که سطح اضطراب و استرس مردم بالاتر رفته و آستانه تحمل افراد نسبت به یکدیگر پایین تر آمده است. مردم سریعتر از قبل به یکدیگر توهین یا پرخاش می کنند و راحت تر بر سر مسایل جزئی درگیر می شوند. این پدیده در بسیاری شهرهای کشور رو به افزایش است و آمارها در این رابطه کاملا گویا و روشن اند. بعنوان نمونه، در سال ۱۳۹۹، تعداد نزاع های فردی و جمعی که در استان اصفهان ثبت شده و برای آنها پرونده تشکیل شده است معادل ۲۶۷۹۱ مورد بوده که سهم کاشان از این میان ۲۲۷۰ مورد یعنی معادل ۸/۴ درصد می باشد (سالنامه آماری استان

^۲. Peace

^۳. Hostility, Violence, War, Hate

اصفهان، ۱۳۹۹). به عبارتی، در شهری کم جمعیت مثل کاشان بطور متوسط روزانه تقریباً ۷ پرونده قضایی برای درگیری و نزاع تشکیل می شود و چنانچه درگیری های ثبت نشده را به آن بیافزاییم رقم بسیار بالاتری را نشان خواهد داد. با توجه به این آمارها، کنکاش در میزان ستیزه گری یا مسالمت جویی در رفتارها و برخوردهای شهروندان به عنوان موضوعی مهم و جدی مطرح می شود که نمی توان از کنار آن به سادگی عبور کرد.

باتوجه به این که اختلاف و نزاع همزاد زندگی جمعی انسانهاست و روز به روز هم به لحاظ فردی_درونی و هم اجتماعی_بیرونی دلایل اختلافات میان انسان ها بیشتر و پیچیده تر میشود، بنابراین مطالعه روی موضوعاتی شبیه به موضوع پژوهش حاضر یک ضرورت است و عدم تحقیق و بررسی در چنین موضوعاتی موجب نا آگاهی از کارکردهای حیاتی صلح و آرامش می شود زیرا اگر صلحی نباشد مشارکتی هم نیست و نظم جمعی و اخلاقی فرو می ریزد و همواره شاهد نزاع و درگیری خواهیم بود. این برهم ریختگی بر حوزه های گوناگون زندگی تاثیر گذاشته و این چرخه ادامه پیدا میکند تا آنجا که اساسا همزیستی مسالمت آمیز برای مردم به امری محال تبدیل شده و لذا دیگر تلاشی برای رسیدن به آن نخواهند کرد.

بر این اساس، پژوهش حاضر بدنبال شناخت میزان صلح طلبی و مسالمت جویی در افراد بوده است اما از بین مجموعه گسترده عوامل تاثیر گذار، تنها نقش خصوصیات فردی و جمعیت شناختی را در این مساله می کاود. انتخاب شهر کاشان نیز از آن روست که این شهر بدلیل رونق اقتصادی، طی سالهای اخیر در حال جذب جمعیت از دیگر نقاط، اقوام و فرهنگهاست بنابراین به بستری از فرصت ها و تهدیدات تبدیل شده که می باید آنها را به موقع شناخت تا از زمینه های بسیاری از مشکلات جلوگیری شود. بعلاوه، در برخی نقاط شهر تعلقات محلی، منطقه ای یا قومیتی که از گذشته ها باقی مانده هنوز هم گاه به گاه باعث بروز تنش می شود. مثلاً، در منطقه "فین" کاشان اگر فردی از یک محله در محله ای دیگر آسیب دیده و درگیر شود این حادثه به سرعت می تواند تبدیل به یک نزاع جمعی میان جوانان دو محله شود. وجود این ذهنیت های بجا مانده از قبل نیز می تواند ضریب صلح جویی و مسالمت را در برخی مناطق این شهر کاهش دهد.

مبانی نظری

صلح، موضوعی میان رشته ای است و صاحب نظران حوزه های گوناگون در آثار خود به تحلیل آن پرداخته اند. امیل دورکیم صلح را وجود تعادل اجتماعی بگونه ای که در آن افراد و گروه ها به صورت همزیستی مسالمت آمیز در کنار یکدیگر زندگی میکنند تلقی میکند. ماکس وبر به نقش نهادهای اجتماعی و قوانین در حفظ صلح اشاره کرده و آن را نتیجه تعاملات اجتماعی و توافقات میان افراد میداند. از منظر فلسفی، ارسطو صلح را به عنوان یک فضیلت اجتماعی میداند که در آن افراد به دنبال خیر عمومی و عدالت هستند. جان لاک فیلسوف انگلیسی، صلح را وضعیتی میبند که در آن حقوق طبیعی افراد رعایت شده و هر فرد به آزادی خود دسترسی دارد. هانس مورگنتا صلح را وضعیت عدم جنگ بین کشورها تعریف میکند و بر اهمیت دیپلماسی و روابط بین الملل تأکید دارد. مک کینزی اقتصاددان معروف، صلح را نه تنها به عنوان عدم جنگ، بلکه به عنوان یک وضعیت اقتصادی پایدار که در آن رفاه عمومی تأمین میشود تعریف کرده است. از منظر روانشناسی، کارل راجرز بر اهمیت صلح درونی تأکید و آن را یک حالت روانی مثبت که در آن فرد با خود و دیگران در صلح است تعریف میکند. آبراهام مزلو نیز بر نیازهای انسانی تأکید دارد و بنظر وی صلح تنها زمانی حاصل میشود که نیازهای اساسی انسانها بویژه مانند امنیت، تعلق و احترام برآورده شود.

در تحلیل صلح طلبی و مسالمت جویی آراء و نظریات متنوعی از جامعه شناسان را می توان سراغ گرفت، اما پیشگامی جامعه شناس نروژی یوهان گالتونگ و اهمیت نظریه وی موسوم به نظریه فرانگر در این زمینه غیر قابل انکار است. رویکرد فرانگر بر اهمیت گفتگو و تبادل نظر به منظور ملایم سازی تضاد و تنظیم مجدد اهداف طرفین درگیر جهت توقف چرخه نزاع و خشونت تاکید دارد. در رویکرد فرانگر، فهم ذهنیت و استراتژی طرف های درگیر اهمیت زیادی داشته و تفکیک اهداف

مشروع از نامشروع توسط خود افراد درگیر آنهم برای نیل به یک همدلی آگاهانه نیز بسیار مهم است. این فرایند به طرفین کمک می‌کند تا متوجه شوند تنها با تأمین نیازهای اساسی یکدیگر می‌توانند تضادها را حل کنند زیرا نیازهای اولیه انسانی غیرقابل چشم پوشی اند. قرار گرفتن هر طرف در نقش طرف مقابل کمک می‌کند تا نیازهای اساسی خود را از دید او ببیند و این مساله به درک متقابل می‌انجامد. در هر تضاد و اختلاف، تنها آن اهدافی که نیازهای ضروری انسانی را تأمین می‌کنند مشروع و قابل دفاع هستند از اینرو می‌باید تلاش کرد تا طرفهای درگیر اهداف خود را بر اساس نیازهای اساسی - و نه زیاده خواهی یا نقض نیازهای دیگران- تنظیم کنند. طرفین درگیر تنها با درک نیازهای انسانی یکدیگر، آماده خواهند شد تا به چاره اندیشی برای حل تضاد فیما بین فکر کنند. گامهایی عملی نیز در این مسیر توصیه می‌شود و نخستین گام، تلفیق اهداف مشروع طرفین در یک قالب واحد است تا نیازهای اولیه انسانی همگان تأمین شود. در این فرآیند، طرفین با کمک یک میانجی به بارش مغزی می‌پردازند و ایده‌هایی برای تأمین نیازهای اساسی مطرح می‌کنند که باعث ایجاد دید مشترک به آینده می‌شود. گام دوم روی برنامه‌ریزی عملی و شکل‌دهی به رفتارهای جدید تمرکز دارد تا روابط تنش‌آلود گذشته تغییر کند و گفتگوها استمرار یابد. البته این مراحل ممکن است هم‌زمان و یا با فراز و نشیب‌هایی همراه باشند، اما همگی در فرآیند کاهش تضاد و ایجاد صلح نقش مهمی ایفا می‌کنند (موسوی، ۱۴۰۱). در حقیقت، اندیشیدن به نیازهای مهم و اولیه ای که دیگران دارند - حتی کسانی که مورد قبول و پذیرش ما نیستند- عامل مهمی در تنظیم یکنوع ذهنیت‌های مسالمت جوست که صلح و آرامش فردی به همراه داشته و در مراحل بعدی می‌تواند طرزفکرها، روابط و رفتارهای میان فردی و جمعی را نیز سامان بخشیده و صلح میان فردی و جمعی را شکل دهد. متقابلاً، در هر گونه تضادی، تنها اهداف خود را هدفهایی مشروع دیدن و به نیازهای اساسی دیگری توجه نداشتن می‌تواند به رشد ذهنیت‌های ستیزه جویانه فردی و در مراحل بعد به نگرشها و روابط ستیزه جویانه میان فردی و جمعی منجر شود. بسیاری محققان اذعان دارند که صلح جویی باید از درون فرد و اجتماع سرچشمه گیرد زیرا نتیجه آشتی فرد با خود و محصول توافقات جمعی است. بعلاوه، صلح به عنوان یک فرآیند درون فردی و درون جمعی تعریف میشود که در مقابل نظمی که از بیرون اعمال میشود، قرار دارد. یعنی، در حالی که نظم به عنوان یک عامل وحدت دهنده و سامان دهنده از بیرون عمل میکند، صلح به تکرر و تعاملات طبیعی میان انسانها اشاره داشته و از درون جوامع و تعاملات انسانی ناشی میشود. نظم معمولاً تحت تأثیر اراده‌های فردی یا دولتی قرار دارد و به دنبال کنترل و تسلط است، در حالی که صلح نتیجه تعاملات آزاد و خودجوش افراد است. از اینرو صلح یک حقیقت فرهنگی است که از استقلال فرهنگها ناشی میشود و نه صرفاً یک وضعیت سیاسی (موسوی نیا و طاهایی، ۱۳۹۸).

از نگاه نظریه فمینیستی صلح، تصویری که از جهان در ذهن انسان‌ها نقش بسته، عمدتاً مردانه بوده و دیدگاه زنان به موضوعاتی مانند صلح و امنیت با مردان بسیار متفاوت است. دیدگاه مردانه بیشتر بر نهادها و سازمان‌ها تمرکز دارد و به دنبال بیشینه سازی منافع گروه‌های خاص است، در حالی که دیدگاه زنانه بر روابط انسانی و نیازهای فردی تأکید می‌کند. مدل مردانه به ساختارهای سلسله‌مراتبی و سازمانی وابسته است، درحالی که مدل زنانه به شبکه‌های خویشاوندی و ارزش‌های خانوادگی توجه دارد. اما بهر تقدیر، سیاست‌های امنیت ملی کشورها بیشتر بر اساس نگاه مردانه شکل گرفته و هزینه‌های زیادی را برای آماده‌سازی جنگها صرف می‌کند، که این امر بنوبه خود باعث کاهش ظرفیت‌های ملی برای تأمین نیازهای اساسی شهروندان منجر می‌شود. از جنبه ای دیگر، نظریه فمینیستی بر ضرورت دیده شدن زنان در جنگها و درگیری‌ها تأکید داشته و با استناد به روایت‌های تاریخی و روان‌شناختی، باور دارد که در جنگ و درگیری‌ها عموماً زنان از تصمیم‌گیری‌ها طرد می‌شوند در حالی که باید به نقش حیاتی آنها در ایجاد صلح توجه شود. از اینرو، فمینیسم برابری طلب به حق زنان برای دسترسی برابر به موقعیت‌های نظامی تأکید دارد و معتقد است اصلاح اسطوره‌های معیوب "مردانگی و مراقبت مردانه" می‌تواند به برابری در تصمیم‌گیری‌ها کمک کند. فقدان قدرت تصمیم‌گیری سیاسی زنان و نادیده گرفتن صدای انتقادی آنها در برابر جنگ، محققین را به بررسی ساختارهای هژمونیک و روابط جنسیتی واداشته است. از دهه ۱۹۹۰، گفتمان‌های جدید

فمینیستی به تجارب زنانه از جنگ و صلح پرداخته و بر امکان تغییر این ساختارها تأکید کرده‌اند. فمینیست‌های پست‌مدرن مانند جودیت باتلر بر این باورند که چون جنسیت و هویت‌ها از طریق عمل گفتمانی ساخته می‌شوند بنابراین قابلیت تغییر دارند (قطبی فر، ۱۴۰۱).

مفهوم عادتواره در آراء و نظرات بوردیو نیز کمک می‌کند تا فرآیند اجتماعی شدن افراد و چگونگی تبدیل آن‌ها به موجودات اجتماعی را درک کنیم. عادتواره‌ها به عنوان مجموعه‌ای از ویژگی‌های پایدار و قابل انتقال، در نتیجه جامعه‌پذیری شکل می‌گیرند و تأثیر زیادی بر کنش‌ها، ادراکات و رفتارهای انسان‌ها دارند (بون ویتز، ۱۳۸۹). بوردیو دو نوع عادتواره را معرفی می‌کند: عادتواره اولیه و عادتواره ثانویه. عادتواره اولیه در دوران کودکی شکل می‌گیرد، و تحت تأثیر خانواده و موقعیت اجتماعی (طبقاتی) آن قرار دارد. این عادتواره شامل برخی خلیات و عادات جسمانی است که به تدریج در فرد نهادینه می‌شوند. در مقابل، عادتواره‌های ثانویه به تدریج جایگزین عادتواره‌های اولیه می‌شوند و می‌توانند تحت تأثیر محیط‌های تحصیلی و شغلی قرار گیرند. در مورد زنان، نیز عادتواره‌ها و ویژگی‌های مشترکی وجود دارد که شامل احساسات زنانه و مادرانه، دقت در جزئیات و تلاش برای ایجاد آرامش در محیط است. این ویژگی‌ها از کودکی به دختران القا می‌شود و به شکل‌گیری عادتواره‌هایی منجر می‌شود که بر رفتارها و نگرش‌های آن‌ها تأثیر می‌گذارد. بوردیو معتقد است کنشگرانی که عادتواره‌های مشابه دارند، بدون نیاز به مشورت، به طور ناآگاهانه با یکدیگر هم‌راستا می‌شوند و این هم‌راستایی می‌تواند بر رفتارهای اجتماعی آن‌ها تأثیر بگذارد. از این منظر، شکل‌گیری عادتواره‌های صلح جویانه شامل ارزشها و اصول همزیستی و همپاری با دیگران، نطفه‌ای است که در طول زمان و در بستر خانواده، مدرسه و جامعه نطفه بندی شده و رشد می‌کند یا از رشد آن جلوگیری می‌شود. بسیاری از تکنیکهای حل تعارض و اختلاف نیز بشکل ناخودآگاه در محیط‌های اجتماعی ذکر شده شکل می‌گیرند که البته نیازمند دیده شدن و تقویت هستند.

پیشینه تحقیق

موضوع صلح و صلح طلبی اگرچه هنوز در محافل آکادمیک بعنوان یک حوزه جدید تحقیقاتی به شمار می‌رود اما در سالهای اخیر توجه محققان داخلی را بخود جلب نموده و بنظر میرسد جدی تر از قبل این مساله را از ابعاد گوناگون مورد توجه قرار داده اند. به عنوان نمونه، *بازتاب فلسفه سیاسی هابز و کانت راجع به صلح در توسل به عدالت* یکی از پژوهشها در این زمینه است. این پژوهش که توسط زهره موسوی فر در سال ۱۳۹۷ انجام شده به بازتاب فلسفه سیاسی هابز و کانت راجع به صلح در توسل به عدالت می‌پردازد. بنظر پژوهشگر، مهم ترین هدف سازمان ملل حفظ صلح و امنیت بین المللی است و قرن‌ها قبل از ایجاد سازمان ملل متحد هابز و کانت و... نظریه‌هایی درباره صلح ارائه داده اند. هابز با نگاهی بدبینانه صلح را امری ساختگی می‌داند از اینرو دیدگاه وی منشأ یکنوع رئالیسم سیاسی شده و به سیاست عملی دامن زده است اما توجه سازمان ملل به رابطه صلح و عدالت کیفری بین المللی و ایجاد محاکم کیفری بین المللی متأثر از اندیشه کانت بوده است که با فلسفه اخلاق گرایانه خود صلح پایدار را حاصل احترام به حقوق بشر و حاکمیت قانون تلقی کرده و یکنوع لیبرالیسم سیاسی را ایجاد و در جستجوی صلح مثبت، صلح بین المللی و نوعی صلح پیشاجنگ و پساجنگ برآمد.

ضرورت *بازاندیشی در برنامه‌های آموزش صلح* یکی دیگر از پژوهشهایی است که بتازگی در باره موضوع صلح انجام شده است. این پژوهش در سال ۱۳۹۸ توسط بابک شمشیری و حسن اسدی انجام شده و محققان ضمن مروری بر ضرورت اجرای آموزش صلح، به بررسی انتقادی و آسیب شناسی پژوهش‌ها و تلاشهای پیشین در این زمینه پرداخته؛ و بر لزوم نگاه میان فرهنگی و میان رشته‌ای به صلح تاکید کرده اند. از نگاه این محققان، برخی سازه‌های مهم که میتواند یک برنامه آموزش صلح را مؤثرتر نماید عبارتند از: تقویت فوق برنامه‌ها در مدرسه، تامل در بافت دانش آموزی مدرسه و خصوصاً ویژگی‌ها و

مهارت‌های معلمین. در داین پژوهش همچنین از ضرورت آموزش تفکر فلسفی، تفکر انتقادی، تربیت شهروندانی جهان نگر، و آموزش مربوط به نحوه ساختن جامعه ای دموکراتیک به عنوان آموزش‌های زمینه ساز صلح صحبت شده است.

صلح مثبت در چشم‌انداز نظری سومین پژوهشی است که در این زمینه می‌توان نام برد. محمد معین گل باغ و علی مرشدی‌زاد در سال ۱۴۰۲ در مقاله ای به صلح مثبت پرداخته‌اند. پژوهشگران این پژوهش ابتدا آثار گالتونگ را با محوریت مفهوم صلح مثبت به روش اسنادی واکاوی کرده و سپس کوشیده‌اند با روش قیاسی، داده‌های به دست آمده را تجزیه و تحلیل و مؤلفه‌های مفهومی و کلیدی تحقق صلح مثبت را استخراج و در پایان نیز مدلی مفهومی پیشنهاد دهند که آن را بتوان برای بررسی وجود زمینه‌های فکری تحقق صلح مثبت در اندیشه اندیشمندان گوناگون به کار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد چنانچه نفی تضادهای ساختاری همچون استثمار، استعمار تبعیض و فقر در وجه سلبی با همکاری، برابری سیاسی و عدالت اقتصادی در وجه ایجابی همراه شود و جهتگیری این وضعیت در راستای ایجاد هماهنگی مثبت و احساس همدلی در جامعه باشد آنگاه صلح مثبت محقق خواهد شد.

نقش زنان در صلح میان فامیلی و عوامل اجتماعی فرهنگی مؤثر بر آن در شهر کاشان، تحقیق دیگری است که در بهار ۱۴۰۲ توسط الهام قطبی فر انجام شده است. در نگاه محقق این پژوهش، نقشی که زنان میتوانند در صلح و آشتی ایفا کنند امروزه توجه محققان را به خود جلب کرده بگونه ای که ایفای این نقش میتواند دامنه وسیعی همچون صلح میان قومی، میان دینی، میان منطقه ای بین المللی و... را در برگیرد اما تمرکز این تحقیق عمدتاً بر واکاوی نقش زنان در ایجاد صلح در سطوح خرد همچون صلح میان فامیلی بوده است. نتایج تحقیق نشان داد صلح میان فامیلی در جامعه مورد مطالعه در سطحی متوسط قرار دارد و میزان مشارکت زنان در ایجاد و حفظ صلح میان فامیلی نیز در سطحی متوسط بوده است. رایج‌ترین و پرکاربردترین تکنیکهای مورد استفاده زنان برای ایجاد صلح میان فامیلی به ترتیب، پیشگیری بازدارندگی و مذاکره بوده‌اند اما کم‌کاربردترین را تکنیک امتیازدهی به خود اختصاص داده است. نتایج آزمون فرضیات نیز نشان داد به استثنای عادتواره، عواملی چون نگرش، سن، تحصیلات انواع سرمایه‌ها، ساختار فامیلی و میزان آشنایی با تکنیکهای صلح همگی با میزان مشارکت زنان برای ایجاد و حفظ صلح میان فامیلی رابطه دارند. تحلیل رگرسیون چند متغیره نیز نشان داد مجموعه عوامل ذکر شده توانسته‌اند ۵۷٪ از تغییرات متغیر وابسته یا میزان مشارکت زنان در صلح فامیلی را تبیین کنند.

در کنار تحقیقات داخلی، اشاره به برخی تحقیقات خارجی نیز سودمند است. بعنوان نمونه، صلح طلبی و چشم‌اندازهای آن برای صلح اجتماعی که توسط دیولا بابا تونده اکانول در ۲۰۰۹ انجام شده است به شکل انتقادی به بررسی آموزه‌های صلح طلبی می‌پردازد؛ همان آموزه‌هایی که می‌باید پرهیز از خشونت و تضمین برقراری صلح اجتماعی را فراهم آورند. در این پژوهش، برخی مفروضات این آموزه‌ها، ویژگیهای اساسی و کلیدی آنها، و نیز میزان توانایی این آموزه‌ها در تحقق صلح اجتماعی مورد نقد و واکاوی قرار می‌گیرد. پژوهش بر این نکته تأکید دارد که صلح طلبی به عنوان یک ایده، در دستیابی به نظم اجتماعی و مسالمت آمیز امیدبخش است، اما موانع و مشکلاتی دارد که کارایی آن را در عمل محدود میکند.

فراتر از تساهل: صلح، گفتگو و آزادی دینی، یکی دیگر از تحقیقات خارجی در زمینه رابطه میان صلح و ادیان است. این پژوهش که توسط جرمی ایگرز در سال ۲۰۱۹ انجام شده به بررسی تعارض میان باورهای دینی و حقوق دیگران می‌پردازد؛ یعنی به همان مسائلی که در جوامع متنوع دینی به ویژه در آمریکا نمود پیدا کرده است، مانند: خودداری برخی داروسازان مسیحی از فروش قرصهای ضدبارداری، یا امتناع رانندگان تاکسی مسلمان از جابجایی مسافران دارای نوشیدنی الکلی و... در واکنش به این تعارضها، تساهل دینی اغلب به عنوان راه حلی مطرح شده، و بر اهمیت گفتگوی بین فرهنگی و بین دینی به عنوان راهکاری مؤثرتر از تساهل تأکید می‌شود؛ گفتگویی که صرفاً استدلالی-عقلانی نباشد، بلکه درکی عمیق از تاریخ، زندگی روزمره و احساسات متقابل ایجاد کرده و به اعتماد و احترام میان گروهها منجر شود. در نهایت، پژوهشگر بر نقش این گفتگوها در تقویت صلح میان ادیان و ملتها تأکید میکند.

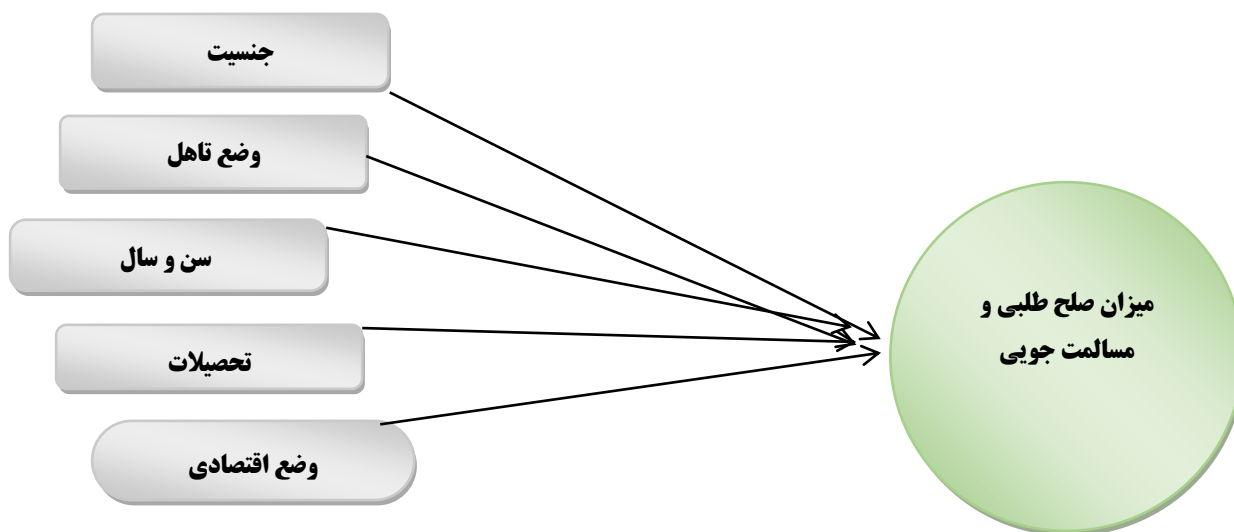
ایجاد تفاهماتی برای صلح، عدالت و حقوق بشر تحقیق دیگری است که در خارج کشور صورت گرفته است. این پژوهش توسط لیندا بریسکمن در سال ۲۰۰۹ انجام و به بررسی راهکارهایی برای دستیابی به صلح، عدالت و حقوق بشر در سطح جهانی میپردازد. بنظر بریسکمن، با وجود تلاشهای علما، سیاستمداران و رهبران مذهبی، هنوز شواهد کمی از کاهش درگیریها وجود دارد. او معتقد است اصول ادیان و فلسفه های جهانی میتواند راهحلی برای این مشکل باشد، اما این اصول در نظامهای آموزشی کمتر دیده میشود. روشهای کنونی آموزش حقوق بشر هم بیشتر محدود به مسائل حقوقی و اسناد رسمی مانند «اعلامیه جهانی حقوق بشر» است و به مسائل فرهنگی و فلسفی کمتر توجه میشود. محقق پیشنهاد میکند که آموزش حقوق بشر باید با روش انتقادی و گفت و گو محور، و درک تاریخ و فلسفه این مفاهیم همراه باشد.

جنسیت و صلح سازی پژوهشی دیگر است که توسط محمد بای سعیده از فلسطین در سال ۲۰۲۳ صورت گرفته و به بررسی ارتباط پیچیده میان جنسیت و صلح سازی می پردازد، و ضمناً شیوه های گوناگونی که در آن هنجارهای جنسیتی، نابرابری ها و مناسبات قدرت بر فرآیندهای صلح تأثیر می گذارند را برجسته می کند. همچنین، به نقش مثبت برابری جنسیتی و مشارکت زنان در ابتکارهای صلح سازی و چالش هایی که مانع از مشارکت کامل زنان می شود می پردازد. بنظر پژوهشگر، با شناخت و پرداختن به این پویایی های جنسیتی، سیاست گذاران، کنشگران و پژوهشگران می توانند رویکردهای مؤثرتر و تحول آفرین تری برای صلح سازی ارائه دهند که مبتنی بر برابری جنسیتی و عدالت اجتماعی است.

فراتر از صلح لیبرال: نقدی فلسفی بر صلح سازی لیبرال و کاوش در یک الگوی ترکیبی پست مدرن و پسا-لیبرال در صلح سازی پژوهشی دیگر در زمینه صلح بوده که توسط جویچیرو تانابه در سال ۲۰۱۷ انجام شده است. بنظر وی، در صلح سازی، بخش عمده تحلیل ها بیشتر بر چالش های عملی و فنی متمرکز شده و توجه اندکی به پیش فرض های فلسفی این اقدامات دارند در حالیکه هر درکی از صلح سازی بر پایه چارچوب های فلسفی استوار است؛ و این چارچوب هاست که ما را به سوی راهبردهای معینی در صلح سازی سوق داده و جهت می بخشند. این رویکرد نه بدنبال رد کامل صلح سازی لیبرال است و نه اتکای انحصاری بر رویکردهای محلی دارد بلکه بر این باور است که باید دیدگاه های دوگانه انگارانه درباره یا این و یا آن را برچید تا هم بازیگران لیبرال بین المللی و هم بازیگران محلی در فرآیندی مشترک از یادگیری و همکاری مشارکت کنند؛ فرآیندی که در آن هر دو گروه فراتر از تصورات و چارچوب های محدود پیرامونی عبور کرده و معنایی جدید از صلح بیافرینند که بتواند سطوح جهانی و محلی را پیوند دهد.

لازم است خاطرنشان شود تحقیقات و نظریاتی که تا به اینجا مطرح شدند تنها گزیده هایی از لنزهای نظری و تجربی در تحلیل صلح و مسالمت جویی اند که به بررسی ابعادی از موضوع این پژوهش می توانند کمک کنند اما بدون تردید این مجموعه نظری و تجربی بسیار گسترده تر است و مجال طرح تمامی آنها در این نوشتار وجود ندارد. درمجموع، با توجه به هدفی که در این پژوهش دنبال می شود و توضیحاتی که ارائه شد سوالات و فرضیاتی چند در پژوهش حاضر به شرح زیر در دستور کار قرار گرفته و مدل نظری نیز ارائه می گردد.

- میزان صلح طلبی در جامعه مورد بررسی چقدر است؟
- میزان صلح طلبی در سطوح فردی، میان فردی و جمعی چقدر است؟
- بین جنسیت و میزان صلح طلبی و مسالمت جویی افراد رابطه وجود دارد.
- بین وضع تاهل و میزان صلح طلبی و مسالمت جویی افراد رابطه وجود دارد.
- بین سن و میزان صلح طلبی و مسالمت جویی افراد رابطه وجود دارد.
- بین سطح تحصیلات و میزان صلح طلبی و مسالمت جویی افراد رابطه وجود دارد.
- بین وضع اقتصادی و میزان صلح طلبی و مسالمت جویی افراد رابطه وجود دارد.



روش تحقیق

تحقیق حاضر یک تحقیق کمی و از نوع تحقیقات همبستگی است که در یک جمعیت نمونه ۱۲۰ نفری از اهالی شهر کاشان به سنجش رابطه میان متغیرهای فرضیات تحقیق پرداخته است. شیوه نمونه گیری در این پژوهش شیوه هدفمند بوده و نمونه تحقیق در اردیبهشت ۱۴۰۴ مورد بررسی قرار گرفته است. هرچند در تحقیق همبستگی، برخلاف تحقیقات پیمایشی، نتایج به دست آمده از نمونه لزوماً به جامعه آماری بزرگتر تعمیم داده نمی‌شود اما در گردآوری داده‌ها - همچون روش پیمایشی - از پرسش‌نامه یا مصاحبه استفاده می‌شود. در این پژوهش نیز کسب اطلاعات به کمک پرسش‌نامه ای محقق ساخته صورت گرفته که شامل ۳۵ سوال بسته می باشد و سوالات اصلی آن در قالب طیف ۵ گزینه ای لیکرت تنظیم شده است. اعتبار پرسشنامه پژوهش حاضر اعتباری صوری و پایایی خرده مقیاسهای اصلی آن نیز براساس آزمون آلفای کرونباخ در مورد متغیر صلح طلبی کل معادل ۰,۷۶، در مورد صلح فردی معادل ۰,۷۰ و صلح میان فردی معادل ۰,۶۰ و صلح جمعی نیز معادل ۰,۶۷ می باشد. برای تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ استفاده شده و سنجش فرضیات نیز به کمک آزمونهای تی و اف صورت گرفته است. در انتهای این بخش، متغیرهای اصلی پژوهش به همراه شاخص های سنجش و تعداد گویه های هرکدام در جدول شماره یک ارائه شده است.

*جدول شماره ۱: شاخص‌ها و سطح سنجش متغیرهای اصلی تحقیق

متغیر	شاخص‌ها	سطح سنجش
صلح و آرامش فردی (۱۰ گویه)	عدم ترس و نگرانی از آینده، حقیرندانستن دیگران در ذهن، نگاه نداشتن خشم و دلخوری از دیگران، عدم حساسیت نسبت به فقر و نداری، و تمجیدنشدن توسط دیگران رضایت از سبک زندگی، مثبت تلقی کردن دیگران، مثبت تلقی کردن رخدادهای زندگی، پذیرش دیگران همانطور که هستند، احساس ارزشمندی،	فاصله‌ای

فاصله‌ای	نیش نژدن با کلام، دوری از انتقام و تلافی کردن، عدم بدگویی و تخریب دیگران، اهل دعوا و مشاجره نبودن، بدتلقی نکردن متقدان دوستی و محبت به حیوانات، تامل در تصمیمات و پیامدهای آن نسبت به دیگران، خوشحالی از موفقیت نزدیکان، اولویت دادن به پیشرفت گروه یا مجموعه، مشورت با دوستان و نزدیکان	صلح جوییِ میان فردی (۱۰ گویه)
فاصله‌ای	درگیرنشدن با غیرهم محلی ها، دشمن ندانستن غیرایرانیها، مشکل ندانستن همسایگی با پیروان مذاهب دیگر، مشکل ندانستن سکونت مهاجران در شهر و محله خود، عدم رضایت از جوک های قومیتی هموطن دانستن همه مردم، داشتن دوستانی از شهرهای دیگر، داشتن دوستان افغانی، کمک به غیرهمشهری ها، رابطه خوب با غیر همشهری ها در محل کار یا تحصیل	صلح جوییِ جمعی (۱۰ گویه)
فاصله‌ای	تمامی شاخصهای صلح فردی، میان فردی و جمعی	صلح جویی بطور کل (۳۰ گویه)

یافته های پژوهش

الف. یافته های توصیفی

در این بخش ابتدا به توصیف خصوصیات جامعه مورد مطالعه می پردازیم. نتایج توصیفی نشان داده است که مردان ۵۲٫۸٪ و زنان ۴۷٫۲٪، مجردها ۵۲٪ و متاهلین ۴۸٪ از پاسخگویان را تشکیل داده اند. محدوده سنی پاسخگویان، بین ۱۹ تا ۵۹ سال است که البته در بازه سنی ۲۵ تا ۳۵ سالگی بیشترین تعداد پاسخگویان ملاحظه می شود. از نظر سطح تحصیلات، لیسانسه ها با ۳۶٫۲٪ بیشترین بخش از پاسخگویان را تشکیل میدهند. از نظر وضع اقتصادی نیز با توجه به محدوده امتیازبندی وضع اقتصادی بین صفر تا ۲۰، پاسخگویان دارای امتیاز ۱۱ تا ۱۵ (وضع اقتصادی بسیارخوب) با حجمی معادل ۷۳٫۳۸٪ بیشترین بخش از پاسخگویان را تشکیل داده اند. میزان صلح طلبی بطور کل و در سطوح فردی، میان فردی و جمعی نیز به کمک میانگین نمرات حاصله قابل توصیف هستند. با توجه به میانگین نمره بدست آمده یعنی ۱۱۷ (در بازه نمرات بین ۳۰ تا ۱۵۰ و میانگین نظری ۹۰) که از حد متوسط طیف نیز بیشتر است می توان گفت جامعه مورد بررسی از نظر میزان صلح طلبی بطور کلی وضعیت خوب و مطلوبی داشته است. همچنین، میانگین نمرات بدست آمده نشان می دهد صلح طلبی پاسخگویان در بُعد فردی معادل ۳۴٫۹ (در بازه نمرات بین ۱۰ تا ۵۰ و میانگین نظری ۳۰) نیز کمی بالاتر از حد متوسط است. صلح طلبی پاسخگویان در بُعد میان فردی معادل ۴۳٫۱ (در بازه نمرات بین ۱۰ تا ۵۰ و میانگین نظری ۳۰) هم بیش از حد متوسط و طبعاً در سطحی بالا و مطلوب است. نهایتاً صلح طلبی پاسخگویان در بُعد جمعی نیز معادل ۳۹٫۳ (در بازه نمرات بین ۱۰ تا ۵۰ و میانگین نظری ۳۰) و بالاتر از حد متوسط و در سطح مطلوب قرار دارد. آزمون T تک نمونه نیز درمورد معنادار بودن تفاوت میانگین نمرات بدست آمده با میانگینهای نظری همگی به شرح زیر تایید شدند:

- نتیجه آزمون در باره متغیر صلح بطور کلی (sig= 0.000 و T= 74.8)
- نتیجه آزمون در باره متغیر صلح فردی (sig= 0.000 و T= 7.8)
- نتیجه آزمون در باره متغیر صلح میان فردی (sig= 0.000 و T= 30)
- نتیجه آزمون در باره متغیر صلح جمعی (sig= 0.000 و T= 15.7)

در یک مقایسه اجمالی می توان گفت در جامعه مورد بررسی، صلح طلبی در روابط میان فردی قویتر از صلح طلبی در روابط جمعی و کلان، و آن نیز قویتر از صلح و آرامش فردی و درونی است. علاوه بر این، تعدادی فرضیات نیز پیرامون ویژگیهای جمعیت شناختی که در صلح جویی نقش ایفا می کنند مورد سنجش قرار گرفتند که در بخش بعدی بدانها اشاره می شود.

ب. یافته های تحلیلی

در این بخش فرضیات پژوهش به آزمون گذارده شد و رابطه میان متغیرهای مستقل تحقیق یعنی ویژگیهای جمعیت شناسی پاسخگویان با صلح طلبی بطور کل و به تفکیک سطوح فردی، میان فردی و جمعی مورد سنجش قرار گرفت. البته، با توجه به فاصله ای بودن متغیرهای وابسته (صلح طلبی فردی، میان فردی، جمعی و کلی)، قبل از انجام آزمون ها نسبت به پیش فرض آزمونها یعنی نورمالیته و همگنی واریانس نمرات گروهها اطمینان حاصل شده است. در ابتدا متغیرهای جمعیت شناختی با ابعاد سه گانه صلح طلبی و سپس با صلح طلبی بطور کلی آزمون شده اند که نتایج بدست آمده را می توان در جدول جامع شماره ۲ ملاحظه نمود.

جدول ۲: جدول جامع آزمون فرضیات بین میزان صلح جویی و متغیرهای مستقل تحقیق

متغیرها	ضریب آزمون	سطح معناداری	نتیجه
ویژگیهای جمعیت شناختی / صلح فردی			
جنسیت / میزان صلح فردی	$T = - ۲,۸$	۰,۰۰۵	وجود رابطه و تایید فرضیه
وضع تاهل / میزان صلح فردی	$F = ۲,۸۲$	۰,۰۶۴	عدم وجود رابطه و ابطال فرضیه
سن / میزان صلح فردی	$F = ۳,۱۴$	۰,۰۰۳	وجود رابطه و تایید فرضیه
تحصیلات / میزان صلح فردی	$F = ۲,۰۹۸$	۰,۰۸۶	عدم وجود رابطه و ابطال فرضیه
وضع اقتصادی / میزان صلح فردی	$F = ۳,۹۴$	۰,۰۱۰	وجود رابطه و تایید فرضیه
ویژگیهای جمعیت شناختی / صلح میان فردی			
جنسیت / میزان صلح میان فردی	$T = - ۲,۲۵$	۰,۰۲۶	وجود رابطه و تایید فرضیه
وضع تاهل / میزان صلح میان فردی	$F = ۲,۲۴$	۰,۱۱۰	عدم وجود رابطه و ابطال فرضیه
سن / میزان صلح میان فردی	$F = ۲,۴۱$	۰,۰۱۹	وجود رابطه و تایید فرضیه
تحصیلات / میزان صلح میان فردی	$F = ۲,۱۶$	۰,۰۷۸	عدم وجود رابطه و ابطال فرضیه
وضع اقتصادی / میزان صلح میان فردی	$F = ۵,۹۱$	۰,۰۰۱	وجود رابطه و تایید فرضیه
ویژگیهای جمعیت شناختی / صلح جمعی			
جنسیت / میزان صلح جمعی	$T = ۱,۶۳$	۰,۱۰۵	عدم وجود رابطه و ابطال فرضیه
وضع تاهل / میزان صلح جمعی	$F = ۳,۵۶$	۰,۰۳۱	وجود رابطه و تایید فرضیه
سن / میزان صلح جمعی	$F = ۱,۰۸۱$	۰,۳۸۱	عدم وجود رابطه و ابطال فرضیه
تحصیلات / میزان صلح جمعی	$F = ۲,۵$	۰,۰۴۶	وجود رابطه و تایید فرضیه
وضع اقتصادی / میزان صلح جمعی	$F = ۱,۱۱$	۰,۳۴۵	عدم وجود رابطه و ابطال فرضیه
ویژگیهای جمعیت شناختی / میزان صلح کلی			
جنسیت / میزان صلح کلی	$T = - ۱,۴۹$	۰,۱۳۸	عدم وجود رابطه و ابطال فرضیه

وضع تاهل / میزان صلح کلی	$F = ۱,۹۷$	۰,۱۴۳	عدم وجود رابطه و ابطال فرضیه
سن / میزان صلح کلی	$F = ۱,۹۸$	۰,۰۵	وجود رابطه و تایید فرضیه
تحصیلات / میزان صلح کلی	$F = ۳,۵۹$	۰,۰۰۸	وجود رابطه و تایید فرضیه
وضع اقتصادی / میزان صلح کلی	$F = ۶,۰۱۸$	۰,۰۰۱	وجود رابطه و تایید فرضیه

نتایج جدول شماره دو نشان می دهد ویژگیهایی چون جنسیت، سن و وضع اقتصادی بر میزان "صلح فردی و درونی" در پاسخگویان تاثیر داشته و با آن رابطه دارند بنابراین فرضیات مربوط به این ویژگیها نیز تایید می شود. در نگاهی دقیق تر، با اتکاء بر آمارهای توصیفی بویژه میانگین نمرات صلح فردی در گروههای جنسی، سنی و اقتصادی می توان دریافت صلح و آرامش درونی در زنان کمتر از مردان بوده است (میانگین نمره صلح طلبی مردان ۳۸,۸ و زنان ۳۳,۳). همچنین، براساس میانگینهای حاصله (بترتیب ۴۲, ۳۵, ۳۲ و ۳۲) بنظر میرسد صلح و آرامش فردی و درونی در بزرگسالان بیش از میانسالان و در آنها نیز بیش از جوانان بوده است. در مورد وضع اقتصادی نیز میانگین نمرات بدست آمده نشان داد بیشترین میزان صلح فردی و درونی در افراد دارای بهترین وضع اقتصادی (۳۹) بوده است. پس از آن کسانی که وضعیت اقتصادی پایین تری داشته اند با میانگین ۳۴/۵ و ۳۳/۶ و نهایتاً افرادی که پایین ترین وضع اقتصادی را داشته با میانگین ۳۲/۲ قرار می گیرند.

براساس نتایج جدول شماره دو، همان ویژگیهای جنسیت، سن و وضع اقتصادی بر میزان "صلح طلبی میان فردی" پاسخگویان نیز تاثیر داشته و با آن رابطه معناداری نشان داده اند و در نتیجه فرضیات مربوطه نیز تایید می گردد. با توجه به میانگین های به دست آمده (مردان ۴۴ و زنان ۴۲/۲) می توان دریافت که جنسیت از عوامل موثر است و صلح جویی زنان در روابط میان فردی کمتر از مردان بوده است. سن افراد مورد بررسی نیز نقش و تاثیر جدی در میزان صلح میان فردی داشته است. با توجه به میانگینهای بدست آمده (بترتیب ۴۶/۶، ۴۴/۵ و ۴۱/۷) بنظر میرسد صلح و آرامش میان فردی در بزرگسالان بیش از میانسالان و در آنها نیز بیش از جوانان بوده است. کمترین میزان صلح جویی در روابط میان فردی را می توان در نوجوانان ۱۵-۱۹ سال با میانگین ۳۹/۶ ملاحظه کرد. وضع اقتصادی افراد مورد بررسی نقش و تاثیر در میزان صلح میان فردی دارد. با توجه به میانگین نمرات حاصله، بیشترین میزان صلح طلبی میان فردی در افراد دارای بهترین وضع اقتصادی (۴۶/۲) بوده است. پس از آن کسانی که وضعیت اقتصادی پایین تری داشته اند با میانگین ۴۲/۴ و ۴۲/۹ و نهایتاً افراد دارای پایین ترین وضع اقتصادی با میانگین ۳۹ قرار می گیرند.

اما ویژگیهایی که بر میزان "صلح جویی جمعی" (اجتماعی فرهنگی) پاسخگویان اثرگذار بوده و با آن رابطه نشان داده اند عبارتند از وضع تاهل و تحصیلات و لذا فرضیات مربوطه نیز تایید می شوند. با توجه به میانگین های بدست آمده برای مجردها، متاهل ها، و متاهلین دارای فرزند (بترتیب ۴۰/۳، ۳۶/۷ و ۳۹/۸) میتوان گفت صلح طلبی جمعی یا اجتماعی فرهنگی در مجردها بیش از بقیه بوده و این گروه تعصب و حساسیت کمتری نسبت به غیربومی ها، غیرهمشهری ها و.... دارند. تحصیلات افراد مورد بررسی نیز نقش مهمی در میزان صلح طلبی جمعی آنان دارد. میانگینهای بدست آمده نشان میدهد صلح طلبی جمعی در فوق لیسانس ها بیش از همه (میانگین ۴۶)، سپس لیسانسیه ها (میانگین ۴۰/۷) و بعد از آن دیپلمه ها و دانشجویان (میانگین ۳۷/۳)، و نهایتاً زیردیپلمه ها با میانگین ۳۹ بوده است. درواقع، تحصیلات بالاتر همراه با مدارا و صلح جویی بیشتر نسبت به غیربومی ها، غیرهمدینان و غیرهمشهری ها بوده است.

نهایتاً ویژگیهایی که بر میزان صلح طلبی پاسخگویان بطور کلی تاثیر داشته و با آن رابطه معناداری نشان داده اند عبارتند از سن، تحصیلات، و وضعیت اقتصادی. سن افراد نقش و تاثیر جدی در میزان صلح جویی کلی آنها داشته است. میانگین های بدست آمده نشان می دهد بزرگسالان ۴۵ تا ۶۰ ساله (با میانگین ۱۳۱) بیش از میانسالان، و میانسالان ۳۰ تا ۴۰ ساله (بامیانگین

۱۱۸/۳) بیش از جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله (با میانگین ۱۱۴) در تعاملات خود بطور کلی صلح جو هستند. **تحصیلات** افراد نیز نقش و تاثیر مهمی در میزان صلحجویی کلی در آنها دارد. میانگینهای بدست آمده نشان میدهد صلح طلبی کلی در فوق لیسانس ها بیش از همه بوده است (میانگین ۱۳۰)، سپس لیسانسیه ها (میانگین ۱۲۱) و بعد از آن دیپلمه ها و دانشجویان (میانگین ۱۱۵)، و نهایتا زیردیپلمه ها با میانگین ۱۱۳/۸. از آنجا که کمترین میزان صلح طلبی بطورکلی در افراد زیردیپلم است می توان گفت هرچه تحصیلات کمتر، صلح جویی کلی هم کمتر می شود. **وضع اقتصادی** افراد مورد بررسی نیز در میزان صلح طلبی آنها بطور کلی تاثیر داشته است. با توجه به میانگینهای حاصله، بیشترین میزان صلح طلبی کلی در افراد دارای بهترین وضع اقتصادی (۱۲۶/۹) بوده است. سپس کسانی که وضع اقتصادی متوسطی داشته اند با میانگین ۱۱۵ و نهایتا افرادی که پایین ترین وضع اقتصادی را داشته با میانگین ۱۱۰/۵ قرار می گیرند. بدین ترتیب، هرچه وضع اقتصادی افراد بهتر بوده، صلح جویی کلی آنان هم بیشتر بوده است.

بحث و نتیجه گیری

موضوع مورد بررسی در این پژوهش نقش ویژگیهای جمعیت شناختی در میزان صلح جویی شهروندان بوده و این پژوهش به روش پیمایشی در بهار ۱۴۰۴ در شهر کاشان انجام شده است. جمعیت نمونه به حجم ۱۲۰ نفر از شهروندان به شیوه نمونه گیری در دسترس از طریق پرسشنامه مورد مطالعه قرار گرفته و داده های بدست آمده و فرضیات پژوهش از طریق نرم افزار spss که برای تحقیقات اجتماعی است آزمون و تجزیه و تحلیل شدند. نتایج بدست آمده نشان داد میزان صلح جویی هم بطور کلی و هم در سطوح سه گانه فردی، میان فردی و جمعی بالاتر از سطح متوسط و عمدتا مطلوب بوده است. نقش متغیرهای جمعیت شناختی در میزان صلح طلبی از طریق آزمون فرضیات مورد سنجش قرار گرفت که نتایج آن بشرح زیرند:

در آزمون فرضیه های **رابطه میان جنسیت و صلح جویی** نتایج نشان داد جنسیت با صلح فردی و میان فردی رابطه داشته و فرضیات مربوطه تایید میشوند. اما وجود رابطه بین جنسیت با صلح جمعی و صلح کلی تایید نشد.

در آزمون فرضیه های **رابطه میان وضع تاهل و صلح جویی** فقط رابطه وضع تاهل با صلح جمعی تایید شده است اما رابطه بین وضع تاهل با صلح کلی، صلح فردی و صلح میان فردی تایید نشد.

در آزمون فرضیه های **رابطه میان سن و صلح جویی** نتایج نشان داد بین سن با صلح کلی و صلح فردی و صلح میان فردی رابطه وجود دارد. اما رابطه ای بین سن و صلح جمعی ملاحظه نشد.

در آزمون فرضیه های **رابطه میان تحصیلات و صلح جویی** نتایج نشان داد بین تحصیلات با صلح کلی و صلح جمعی رابطه وجود دارد اما تحصیلات با صلح فردی و میان فردی رابطه نشان نداد.

در آزمون فرضیه های **رابطه میان وضع اقتصادی و صلح جویی** نتایج حاکی از آن بود که بین وضع اقتصادی با صلح کلی و صلح فردی و صلح میان فردی رابطه وجود دارد. اما با صلح جمعی وجود رابطه تایید نشد.

در این پژوهش مشخص شد میزان صلح و آرامش درونی و نیز صلح میان فردی در مردان بیشتر از زنان است. به نظر میرسد دلیل آن احتمالا رواج گسترده فرهنگ مرد سالارانه در کاشان و امکان بیشتر برای مردان در زمینه بروز کنشها و واکنش های تخلیه گرانه است. اما زنان کمتر اجازه یا فرصت ابراز مخالفت و تعارض دارند در نتیجه ناراحتی ها را بیشتر به درون خود ریخته و دچار استرس و اضطراب می شوند. دیگر آنکه در کاشان معمولا مردها تعارضات را سریعتر فراموش میکنند، انتظارات کمتری از روابط دارند، و برداشت آنها از صلح و تضاد متفاوت با زنهار است. لیکن زنان بدلیل فشارهای محیطی و ایفای نقش های چندگانه، جامعه پذیری در جهت فداکاری و مراقبت از دیگران، حساسیت بیشتر نسبت به روابط، نوسانات هورمونی و بویژه کمبود فرصت خود مراقبتی بنظر می رسد از صلح و آرامش درونی کمتری برخوردارند. براساس نتایج، سن و سال نیز نقش عمده ای در میزان صلح جویی کلی، فردی و میان فردی نشان می دهد بگونه ای که صلحجویی در بزرگسالان

بیش از میانسالان و در آنها بش از جوانان است.. اینکه افراد در بزرگسالی از بیشترین میزان صلح جوایی برخوردارند میتواند به دلایل متعددی مربوط باشد مانند: پذیرش واقعیت های زندگی و محدودیت های آن، برخورداری از تجربه و خرد عاطفی بیشتر، بازنگری در برخی اولویت های زندگی، کاهش نیاز به تایید و رضایت دیگران، برخورداری از نگاه معنوی و فلسفی به زندگی، عبور از بحران های میانسالی، تمرکز بر آرامش، سلامت و روابط باکیفیت با دیگران، افزایش توان مدیریت احساس و استرس، قدردانی بیشتر از لحظات زمان حال و موارد دیگری از این قبیل.

با مقایسه نتایج این پژوهش با برخی تئوریها و تحقیقات پیشین شاهد برخی همسویی ها و ناهمسویی ها خواهیم بود. بعنوان نمونه، نظریه فمینیستی بر لزوم مشارکت برابر زنان در فرآیندهای مربوط به سیاست، امنیت و جامع و همچنین تعریف گسترده تری از صلح تأکید دارد و زنان را عنوان عاملان بالقوه صلح معرفی می کند، اما در جوامعی مانند کاشان که ساختارهای سنتی و محدودیت های فرهنگی مانع از مشارکت مؤثر زنان در مسائل اجتماعی است این ظرفیت به فعل تبدیل نمی شود. در مقایسه نتایج پژوهش با نظریه صلح به منزله میدان از کاترین گوتز نیز ملاحظه می شود در کاشان، به دلیل ساختارهای سنتی و عادتواره های جنسیتی نیرومند، زنان از سرمایه های اجتماعی، فرهنگی و طبعاً فرصت های صلح سازی کمتری برخوردارند. این باعث می شود صلح فردی (آرامش درونی) در زنان کمتر از مردان باشد و صلح میان فردی (روابط همدلانه و بدون تنش با دیگران) نیز در زنان ضعیف تر شکل بگیرد. این وضعیت عمدتاً ناشی از محدودیت دسترسی به میدان های اجتماعی و درونی کردن ارزش های محدودکننده سنتی در میان زنان است. علاوه بر آنچه بیان شد، در مقایسه یافته های این پژوهش با تحقیقی که در مورد نقش زنان در صلح میان فامیلی در بهار ۱۴۰۲ در کاشان توسط الهام قطبی فر انجام شده است میتوان دریافت اگرچه زمینه برای مشارکت زنان در ایجاد صلح بین فردی مشخصاً در حوزه فامیلی و خویشاوندی در این شهر تاحدودی فراهم است، اما در بقیه عرصه های روابط میان فردی (همسایگی، محیط کار، انجمن های دینی و...) مشارکت زنان در عمل با موانع یا محدودیت هایی روبروست که باعث می شود در مجموع، سطح صلح میان فردی زنان نسبت به مردان پایین تر باشد. دلایل احتمالی مساله در شهر کاشان می تواند شامل این موارد باشد: تقدس بخشی به نقش های جنسیتی سنتی که باعث می شود زنان کمتر در روابط خارج از چارچوب خانوادگی و نزدیکان مداخله یا صلح آفرینی کنند، محدودیت دسترسی زنان به آن دسته شبکه های اجتماعی جامعه که مردان در آن بیشتر فعال اند و امکان بیشتری برای مدیریت و حل تعارضات بین فردی دارند، انتظارات اجتماعی از زنان برای احتیاط و محافظه کاری (ویژگی هایی مثل احتیاط، دوراندیشی)، که ممکن است منجر به کناره گیری آنها از مواجهه های مستقیم و در نتیجه کاهش میزان صلح آفرینی در روابط بین فردی بشود.

منابع

بون ویتز پاتریس، ۱۳۸۹، درس هایی از جامعه شناسی پی یر بوردیو، ترجمه جهانگیر جهانگیری و حسن پورسفیر، تهران: انتشارات آگه.

بولدینگ الیزه، ۱۳۹۷، فرهنگ صلح؛ نیمه پنهان تاریخ، ترجمه پروانه شاهین نژاد، تهران: انتشارات منشور صلح

سایت ویکی پدیا، جیدوکریشن مورتی، برگرفته در تاریخ ۱۴۰۳/۱۰/۱۱

سالنامه آماری استان اصفهان، ۱۳۹۹: فصل ۱۵، امور قضایی، جدول ۲-۱۵، ص ۵۸۷

صادقی، میرمحمد، (۱۳۹۶)، عوامل مؤثر بر نزاع های خیابانی، خبرگزاری ایلنا (۲۶ اسفند ۱۳۹۷)

فکوهی، ناصر (۱۴۰۲). آیا جامعه ایران با بحران فرهنگی رو به روست؟. روزنامه اطلاعات (۸ خرداد ۱۴۰۲)

قطبی فر الهام، ۱۴۰۲، بررسی نقش زنان در صلح میان فامیلی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات فرهنگی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان

گلایی، فاطمه (۱۳۸۹)، مطالعه اعتماد اجتماعی در شهر تبریز با رویکرد نسلی، رساله دکترای جامعه شناسی دانشگاه تهران

موسوی، سیدکمال الدین، ۱۴۰۱، صلح؛ حلقه گمشده، اصفهان: نشر آرما
موسوی نیا سیدرضا، طاهایی جواد، ۱۳۹۸، رویکرد کلاسیک و نقد نظریه مدرن صلح، رهیافتی برای دولت های ایرانی، نشریه
دولت پژوهی، خرداد ۱۳۹۷، دوره ۴، شماره ۱۳، ۱۰۵-۱۳۶.